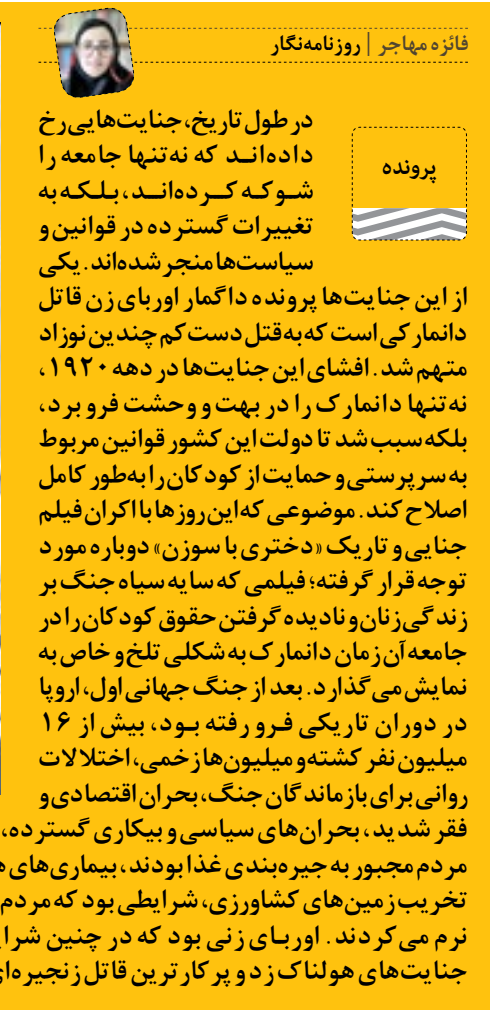


قاتلی که قوانین را تغییر داد

با اکران فیلم «دختری با سوزن»، ماجرای جنایت‌های داگمار اوربای دوباره مورد توجه قرار گرفت؛ زنی که قاتل زنجیرهای کودک‌ان و نوزادان در اولین سال‌های بعد از جنگ جهانی اول بود؛ جنایت‌های او تاثیر عمیقی بر نظام قضایی و اجتماعی دانمارک گذاشت و باعث تغییرات اساسی در قوانین حمایتی کودک‌ان شد



فائزه مهاجر | روزنامه نگار

پرونده

در طول تاریخ، جنایت‌هایی رخ داده‌اند که نه تنها جامعه را شوکه کرده‌اند، بلکه به تغییرات گسترده در قوانین و سیاست‌ها منجر شده‌اند. یکی از این جنایت‌ها پرونده داگمار اوربای زن قاتل دانمارکی است که به قتل دست کم چندین نوزاد متهم شد. افشای این جنایت‌ها در دهه ۱۹۲۰، نه تنها دانمارک را در بهت و وحشت فرو برد، بلکه سبب شد تا دولت این کشور قوانین مربوط به سرپرستی و حمایت از کودکان را به‌طور کامل اصلاح کند. موضوعی که این روزها با اکران فیلم جنایی و تاریک «دختری با سوزن» دوباره مورد توجه قرار گرفته؛ فیلمی که سا به سیاه جنگ بر زندگی زنان و نادیده گرفتن حقوق کودکان را در جامعه آن زمان دانمارک به شکلی تلخ و خاص به نمایش می‌گذارد. بعد از جنگ جهانی اول، اروپا در دوران تاریکی فرو رفته بود، بیش از ۱۶ میلیون نفر کشته و میلیون‌ها زخمی، اختلافات روانی برای بازماندگان جنگ، بحران اقتصادی و فقر شدید، بحران‌های سیاسی و بیکاری گسترده، کمبود غذا و گر سنگی تا جایی که مردم مجبور به جیره‌بندی غذا بودند. بیماری‌های همه‌گیر و شرایط بهداشتی وخیم و تخریب زیربنای کشاورزی، شرایطی بود که مردم اروپا در آن زمان با آن دست و پنجه نرم می‌کردند. اوربای زنی بود که در چنین شرایطی در کشور دانمارک دست به جنایت‌های هولناک زد و پرکارترین قاتل زنجیره‌ای دانمارک لقب گرفت. او مادران

داگمار چطور لورفت؟

در اوایل قرن بیستم، دانمارک (مانند بسیاری از کشورهای دیگر) فاقد قوانین مشخص و نظارت کافی بر فرزندزندانگی بود. در شرایط نامناسب اجتماعی و اقتصادی اروپای بعد از جنگ جهانی، بسیاری از کودکان خارج از نواج به دنیا می‌آمدند و مادران مجرد، به دلیل فشار اجتماعی و نبود حمایت مالی، فرزندان خود را به افراد واسطه مانند اوربای می‌سپردند. این اتفاق به خوبی نشان می‌دهد پیامدهای چنین فرزندانی چطور دامن مادرها را بیشتر از پدرها گرفته و کل جامعه در این اتفاق تلخ چقدر مقصر بوده است. نکته قابل توجه دیگر این که در این دوره، نهادهای حمایتی کافی برای مراقبت از این نوزادان وجود نداشت و در نتیجه، بازار سیاهی برای سرپرستی کودکان شکل گرفته بود. افرادی مانند داگمار اوربای از

سر نوشت یک پرونده جنجالی

محاکمه داگمار اوربای در سال ۱۹۲۱ بر گزار و به یکی از پرمخاطب‌ترین و جنجالی‌ترین پرونده‌های تاریخ دانمارک تبدیل شد. او از بین تمام قربانیانش، فقط به قتل ۹ کودک اعتراف کرد و در دادگاه، شواهدی از وحشیانه‌ترین جنایت‌ها ارائه‌شد. در نهایت، دادگاه حکم اعدام برای او صادر کرد، اما این حکم بعداً به حبس ابد کاهش پیدا کرد. داگمار اوربای سال‌ها در زندان باقی ماند و

در سال ۱۹۲۹ مرد. ماجرای قتل‌های

اوربای باعث شد که جامعه دانمارک، دولت و قانون‌گذاران به ضعف‌های موجود در سیستم فرزندخواندگی پی ببرند. پیش از این پرونده، هیچ قانون مشخصی برای نظارت بر واسطه‌های فرزندخواندگی وجود نداشت و افرادی می‌توانستند به راحتی نوزادان را تحویل بگیرند و سر نوشت آن‌ها را تغییر دهند، بدون این که نهادهای قانونی دخالتی داشته باشند. اما پس از این فاجعه، دولت دانمارک اصلاحات جدی در قوانین حمایت از کودکان ایجاد کرد.

این قوانین شامل ایجاد سیستم نظارتی برای فرزندخواندگی بود که در آن تمامی



مجردیایی بضاعت که به‌طور معمول شوهرشان را در جنگ از دست داده بودند یا صاحب فرزندی نامشروع بودند، فریب می‌داد که فرزندانشان را با پرداخت پول در اختیار او قرار دهند تا به عنوان فرزند خوانده تحت مراقبت قرار دهد یا به خانواده‌ای ثروتمند تحویل دهد؛ اما برخلاف وعده و به رغم دریافت پول از مادران، نوزادان را به قتل می‌رساند. در این پرونده به ابعاد تلخ این جنایت‌ها می‌پردازیم.

این شرایط سوءاستفاده و بدون هیچ گونه نظارت دولتی، کودکان را دریافت می‌کردند. تا مدت‌ها، جنایت‌های اوربای پنهان مانده بود، زیرا خانواده‌های فقیر و مادران مجردی که کودکان خود را به اومی‌سپردند، پس از تحویل نوزادان شان، دیگر به دنبال سر نوشت آن‌ها نمی‌رفتند. اما سرانجام، در سال ۱۹۲۰، یکی از مادران به نام کارن، که فرزند خود را به اوربای سپرده بود، دچار سوءظن شد و به پلیس مراجعه کرد. تحقیقات پلیس منجر به کشف شواهد هولناکی شد، بقایای نوزادان در خانه اوربای پیدا شد و او در نهایت به قتل دست کم ۹ کودک اعتراف کرد. با این حال، برخی کارشناسان معتقدند که تعداد واقعی قربانیان او ممکن است بین ۲۰ تا ۲۵ کودک بوده باشد.

موارد فرزندخواندگی باید تحت نظارت دولت و با بررسی دقیق سوابق والدین جدید انجام شود. علاوه بر این قوانین نظارت بر مراکز و افراد مسئول مراقبت از کودکان هم وضع شد که بر این اساس واسطه‌های فرزندخواندگی و مراکز نگهداری کودکان و پرستاران کودک باید مجوز رسمی دریافت کنند و تحت بازرسی‌های دوره‌ای قرار بگیرند. ایجاد حمایت‌های اجتماعی برای مادران مجرد از

دیگر قوانین وضع شده بود، چون یکی از دلایل اصلی سپردن نوزادان به افرادی مانند اوربای، نبود حمایت مالی و اجتماعی از مادران مجرد بود. پس از این پرونده، دانمارک سیاست‌هایی را برای حمایت از مادران بی‌سرپرست تصویب کرد تا آن‌ها مجبور به سپردن کودکان خود به افراد ناشناس نشوند. از همه مهم‌تر افزایش آگاهی عمومی در باره حقوق کودکان بود که رسانه‌ها و سازمان‌های اجتماعی، پس از این پرونده تلاش کردند تا آگاهی عمومی را درباره حقوق کودکان و خطرات ناشی از سپردن آن‌ها به افراد غیرمسئول افزایش دهند.



آثار هنری که از داستان اوربای الهام گرفتند

آنچه در دانمارک توسط اوربای اتفاق افتاد فقط یک رشته قتل‌های زنجیره‌ای نبود. عصر زمانی که این جنایات در آن اتفاق افتاد، شیوه ارتکاب، مقتول‌ها که کودکان و نوزادان بودند، انگیزه اوربای از این جنایات همه و همه دلیلی شدند که اوربای متفاوت از دیگر قاتلان باشد. جنایات او الهام بخش آثار هنری مختلفی در دانمارک و در دنیا شد. مهم‌ترین آثار ساخته شده بر اساس جنایات اوربای عبارت‌اند از:

رمان «فرشته‌ساز»: این رمان نوشته کارن سوندگار دکولسته، یک بازآفرینی داستانی از زندگی و جنایات داگمار اوربای است. این کتاب به بررسی روان‌شناسی او و شرایط اجتماعی می‌پردازد که باعث شد او به یک قاتل سریالی تبدیل شود.

تئاتر «داستان یک مادر/قاتل»: این نمایش در کپنهاگ اجرا شده است. نام‌نمایش به‌طور هوشمندانه‌ای در بر دارنده دو کلمه "مادر"

ZENDEGI-SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

شنبه ۱۸ اسفند ۱۴۰۳

۷ رمضان ۱۴۴۶ • ۸ مارس ۲۰۲۵

شماره ۲۱۷۲۵

۲۹۴۴

عجیب‌ترین ناپدید شدن یک هواپیما

هواپیمایی که ۲۱ سال پیش از کوالالامپور برخاست

ولی از صفحه رادار محو شد و دیگر خبری از آن نیست



پرواز شماره ۳۷۰ خطوط هوایی مالزی در ساعت ۱۲:۴۱ ظهر ۸ مارس ۲۰۱۴ فرودگاه بین‌المللی کوالالامپور را ترک کرد و قرار بود در ساعت ۶:۳۰ صبح به وقت محلی به فرودگاه بین‌المللی پکن برسد. اما تبدیل به یک معمای عجیب شد. آخرین باری که خبری از هواپیما بود، مربوط به زمانی بود که خلبانان پرواز با کنترل‌کننده‌های ترافیک هوایی در کوالالامپور ارتباط برقرار کردند تا اعلام کنند هواپیما در حالت حرکت به سمت حریم هوایی کشوری دیگر در مسیر پکن است. با گذشت ۲۱ سال از این اتفاق، هنوز این معما که چه بر سر ۲۳۹ مسافر تبعه ۱۴ کشور آن آمده، حل نشده است. چندی پیش مالزی مجوز جست‌وجوی دوباره برای یافتن این هواپیما را صادر کرد.

● بزرگ‌ترین عملیات جست‌وجوی تاریخ

عملیاتی بین‌المللی برای پیدا کردن این هواپیما توسط بیش از ۲۶ کشور به جریان افتاد که گفته شد بزرگ‌ترین عملیات جست‌وجو در تاریخ بوده است. در تاریخ ۲۴ مارس ۲۰۱۴ نخست‌وزیر مالزی گفت بر اساس داده‌های ماهواره‌ای بیشتر از هر احتمال دیگری، هواپیما در حال پرواز به سمت جنوب اقیانوس هند بوده و پس از هفت ساعت پرواز و تمام شدن سوختش در همان جاسقوط کرده و تمام سرنشینان آن مرده‌اند. با وجود این که تا به امروز قطعات زیادی توسط ماهواره‌ها دیده شده‌است، اما به دلیل گستردگی زیاد منطقه و شرایط بد آب‌وهوایی و فاصله بسیار زیاد آن با خشکی، هنوز هیچ‌یک از مشاهدات ماهواره‌ها قابل تایید نیست. این هواپیما ۱۲ خدمه مالزیایی و نیز ۲۲۷ مسافر داشته که ۱۵۲ نفر چینی، ۵۰ نفر مالزیایی و ۲۰ نفر از کشورهای غربی در میان آن‌ها بوده‌اند. همچنین دو نفر از مسافران این هواپیما با گذرنامه دو شهروند اتریشی و ایتالیایی که چند سال پیش در تایلند به سرت رفت‌ه بوده سوار هواپیما شده بودند و در ابتدا ملیت‌شان مشخص نبود، اما پس از سه روز اعلام شد دو نفر ایرانی هستند. اندی اسکات، افسر نیروی هوایی نیوزیلند که در عملیات جست‌وجوی پرواز ۳۷۰ مالزی حضور داشت، گفت که نیروهای وی تنها طی ۴ ساعت جست‌وجو به ۷۰ شیء معلق در اقیانوس هند برخوردند اما هیچ‌یک از این اشیاء به هواپیمای مفقودشده تعلق نداشتند. شایعاتی درباره کمک‌خلبان این پرواز، عبد الحمید ۲۷ ساله مطرح شد که قبلاً هم هنگام پرواز توجهی نداشته و حتی دخانیات مصرف می‌کرده است. اما هواپیمایی مالزی این اتهامات را رد کرد.

● فرضیه‌های محتمل

نخست‌وزیر مالزی در کنفرانس خبری از رصد این هواپیما توسط ماهواره بیش از ۶ ساعت پس از ناپدیدشدن در ساعت یک‌ونیم صبح ۸ مارس خبر داد. در تاریخ ۷ آوریل ۲۰۱۴ فرمانده عملیات جست‌وجو در اقیانوس هند اعلام کرد سیگنال‌هایی دریافت شده که ممکن است متعلق به جعبه سیاه هواپیما باشد. در تاریخ ۱۱ آوریل تونی ابوت نخست‌وزیر استرالیا تایید کرد این سیگنال‌ها متعلق به هواپیماست. بنا بر ارزیابی کارشناسان، باتری جعبه سیاه هواپیما که می‌توانست اطلاعات بیشتری درباره چگونگی سقوط آن بدهد، از روز دوشنبه (۷ آوریل) به طبق داده‌های فنی می‌تواند خالی از انرژئی شده باشد. در روز ۳۰ می ۲۰۱۴ مقامات استرالیایی گفتند هواپیمای ناپدیدشده مالزیایی قطعا در منطقه‌ای از اقیانوس هند که ابتدا تصور می‌شد در آن سقوط کرده، سرنگون نشده است. گزارشی از تیم تحقیق استرالیا دلالت بر این داشت که این هواپیما با تمام شدن سوخت سقوط کرده و عامل انسانی در کم شدن آنی ارتفاع آن دخیل نبوده است. در روز ۱۷ ژانویه ۲۰۱۷ مقام‌های چین، مالزی و استرالیا در بیانیه‌ای اعلام کردند که عملیات جست‌وجوی هواپیمای مفقودشده مالزیایی فعلاً متوقف شده است.

● از آتش‌سوزی تا ورود به تونل زمان

یک مقام ارشد مالزی گفت ممکن است معمای هواپیمای مسافربری گمشده خطوط هوایی این کشور هیچ‌گاه حل نشود. یکی از پیش‌فرض‌های مطرح‌شده احتمال در دیده شدن هواپیما یا احتمال خودکشی خلبان است. همچنین یکی از فرضیه‌ها این است که امکان دارد خلبان پس از وقوع یک آتش‌سوزی سعی در رفتن به نزدیک‌ترین فرودگاه در لنکاوی را داشته است و در نتیجه چرخش اولیه هواپیما از مسیر طبیعی‌اش به سمت لنکاوی به همین دلیل رخ داده باشد. یکی دیگر از فرضیه‌ها به وجود آمدن هیپو کسی (کم شدن اکسیژن) به هر دلیلی و در نتیجه بی‌خلبان ماندن هواپیماست. بر اساس برخی گزارش‌ها، افسر اول فاروق عبد الحمید، کمی قبل از این که هواپیما ناپدید شود به آرامی گفته است: شب‌بخیر، مالزین ۳۷۰. فرضیه دیگر وقوع آتش‌سوزی در هواپیما و تلاش خلبان برای فرود اضطراری بوده است. مدیر طرح شرکت هلندی در عملیات جست‌وجویس از دو سال تلاش برای یافتن اثری از پرواز ناپدیدشده اعلام کرد احتمالاً محل جست‌وجو اشتباه بوده است. کارشناسان این شرکت هلندی احتمال دادند این هواپیما در لحظات آخر به جای فرورفتن سریع در آب‌های عمیق جنوب اقیانوس هند و در نزدیکی استرالیا، به صورت آرام‌به‌زیر آب رفته باشد. نکته‌مرموز ماجرا این است که تاکنون هیچ قطعه‌ای از این هواپیما پیدا نشده‌و این امر به‌نظر به‌های‌ماورایی‌مانندربایش توسط آدم فضایی‌ها، عبور از تونل زمان، فرود در یک جزیره ناشناخته و... دامن می‌زند.